بسم‌الله الرحمن الرحیم

[استدلال به آیه نفر 2](#_Toc434325652)

[مقدمات بحث 2](#_Toc434325653)

[مناقشات در این مقام 2](#_Toc434325654)

[زمینه اعتقادی بحث 2](#_Toc434325655)

[مناقشه سوم 2](#_Toc434325656)

[تشریح مناقشه 3](#_Toc434325657)

[جمع‌بندی 3](#_Toc434325658)

[پاسخ استدلال فوق 3](#_Toc434325659)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc434325660)

[انحلال علم اجمالی در این مقام 4](#_Toc434325661)

[بحث اخلاقی نهج‌البلاغه 4](#_Toc434325662)

[تصویرگری امام در قبال لحظه مرگ 4](#_Toc434325663)

[شروع خطبه 5](#_Toc434325664)

[سکرات موت 5](#_Toc434325665)

# استدلال به آیه نفر

# مقدمات بحث

# مناقشات در این مقام

بحث در استدلال به آیه نفر برای حجیت فتوا بود. بعدازاینکه مقدماتی در تفسیر و فهم آیه نقل شد به استدلال به آیه پرداختیم. مقدماتی که برای تمامیت آیه بود، بررسی شد و در پایان به مناقشاتی که در استدلال به آیه واردشده بود، بیان شد.

دو مناقشه بیان شد و عمده مناقشه اول بود که نهایتاً راه‌حلی برایان نقل شد و در خصوص مناقشه دوم تفصیل بیشتری است ولی چون از پیچیدگی کمتری برخوردار بود، لازم نبود بیشتر از آن بدان بپردازیم.

## زمینه اعتقادی بحث

البته در اعتقادات، قطع یا حداقل لازم است و حجج و امارات در اینجا کافی نیست، اما اصل این بحث جای استدلال و کلام بیشتری دارد. هم به نحو مطلق و هم حداقل ممکن است تفاوتی در اعتقادات وجود داشته باشد.

بحث دیگری که وجود دارد، این است که در مواطنی که فرد نمی‌تواند در آنجا به اطمینان برسد به‌احتمال می‌تواند ترتیب اثر دهد یا خیر که این بحث دیگری است. کما اینکه در بحث‌های اعتقادی مثل امامت این بحث مطرح است که استدلال لازم است یا اگر فرد با جنبه‌های روحی به اطمینانی می‌رسد، همین مقدار کفایت می‌کند یا خیر؟

## مناقشه سوم

اما سومین مناقشه در استدلال به آیه برای حجیت فتوا که ظاهراً در کلمات شیخ برخلاف دو مورد سابق نیست و از مباحث الاصول تقریرات اصول شهید صدر از آقای سید کاظم حائری نقل‌شده است همان‌طور که از آقای هاشمی بحوث در تقریرات ایشان نوشته‌شده است.

## تشریح مناقشه

مناقشه سوم این است که حذر در اینجا نمی‌تواند بر وجوب ترتیب اثر بر فتوا دلالت کند همان‌طور که مدعی درگذشته این بود. چراکه وجوب حذر و عمل به آنچه به او منتقل می‌شود قطعاً مستند به حجیت فتوا نیست. راز آن نیز این است که اگر بر احکام الهی حجتی بر فرد حاصل نشود، قبل از آن علم اجمالی یا احتمال نسبت به تکلیف در آن وجود دارد و همه افراد را دربر گرفته است.

## جمع‌بندی

بنابراین، در اینجا وجود علم اجمالی و احتمال تکالیف منجز است و در رتبه قبل از انذار یا افتاء فقیه است و تنجز تکلیف تمام است.

در جهتی دیگر نیز همیشه معلول مستند به اسبق علل است که در اینجا علم است. لذا تنها انذار فقیه ابداع احتمال می‌کند. و الا عمل به آن بر اساس علم اجمالی یا احتمال است. این قرینه لبیه است که معنای آیه را تغییر می‌دهد. لذا وجوب تحذر ناشی از وجوب احتیاط است نه اینکه از باب حجیت باشد.

## پاسخ استدلال فوق

این شبهه قابل پاسخ است بدین نحو که؛

علم اجمالی یا احتمالی که منجز است، قبل از انذار و افتاء دارای اقتضایی است و بعد از انذار فقیه از آیه امر دیگری استفاده می‌شود، لذا قبل و بعد دارای تفاوت است. چراکه اگر قبل از انذار فقیه باشد، نیازمند احتیاط فی‌الواقع است و باید همه محتملات آورده شود. همانند علم اجمالی در موضوعات.

اما آیه شریفه می‌فرماید که حذر یعنی انذار فقیه نیز احتمالاتی را برای شما می‌آورد و لزوم حذر یعنی لزوم احتیاط که این احتمال بعید است و ظاهر آیه این است که باید تحذر نمود بر اساس گفته فقیه.

## نتیجه‌گیری

لذا این احتیاط سابق نخواهد بود حتی اگر گفته شود عمل به گفته فقیه از باب احتیاط است نه حجیت. در این صورت نیز با احتمال سابق متفاوت است چراکه در بسیاری از اوقات تنها یک‌طرف را می‌گوید و بازگشت به اسبق علل در صورتی است که یک مورد در آنجا باشد.

## انحلال علم اجمالی در این مقام

اگر فرد طبق گفته فقیه عمل می‌کند منجر خواهد شد که علم اجمالی سابق منحل شود و در ماورای مورد می‌توان برائت اجرا نمود. لذا این غیر از مدار احتیاط کلی است که فرد علم اجمالی مطلق دارد. در اینجا نکته دیگری نیز می‌شود گفت که چندان ضرورتی ندارد.

البته مناقشه دیگری بود که اجتهاد در آن عصر متفاوت از اجتهاد امروزی است که در بحث‌های قبلی وجود داشت. ازآنچه تاکنون گفتیم نتیجه می‌گیریم که استدلال به این آیه برای حجیت فتوا تمام است. چند نکته دیگر درباره این آیه وجود دارد که در جلسه بعد بررسی خواهد شد و آیه بعد نیز آیه ذکر است.

### بحث اخلاقی نهج‌البلاغه

### تصویرگری امام در قبال لحظه مرگ

ما بخش‌هایی از خطبه 82 که خطبه غراء بود را بیان کرده بودیم و بیشتر گذری بر بخش‌هایی از خطبه بود. امام پس‌ازاینکه درباره ویژگی‌هایی از انسان نکاتی را می‌فرمایند، بدین جا می‌رسند که انسان از نعمت‌های فراوان بهره‌مند می‌شود، اما در نعمت‌هایی که خداوند به او داده است، ماندگار نیست؛

**«آن الْإِنْسانَ لَفی خُسْر»[[1]](#footnote-1)**

بیان دیگری از مواجه انسان با حادثه بزرگ مرگ ذکرشده است همان‌طور که بارها امام این تصویرها را به نحو دل‌نشین، جذاب و تکان‌دهنده بیان کرده‌اند. عظمت امر فوق از این است که بتواند این بیانات آن را کاملاً افاده کند.

### شروع خطبه

**«فَجَعَاتُ الْمَنِیةِ فِی غُبَّرِ جِمَاحِهِ وَ سَنَنِ مِرَاحِهِ فَظَلَّ سَادِراً وَ بَاتَ سَاهِراً فِی غَمَرَاتِ الْآلَامِ وَ طَوَارِقِ الْأَوْجَاعِ وَ الْأَسْقَامِ بَینَ أَخٍ شَقِیقٍ وَ وَالِدٍ شَفِیقٍ وَ دَاعِیةٍ بِالْوَیلِ جَزَعاً وَ لَادِمَةٍ لِلصَّدْرِ قَلَقاً وَ الْمَرْءُ فِی سَکرَةٍ مُلْهِیةٍ وَ غَمْرَةٍ کارِثَةٍ وَ أَنَّةٍ مُوجِعَةٍ وَ جَذْبَةٍ مُکرِبَةٍ وَ سَوْقَةٍ مُتْعِبَةٍ»[[2]](#footnote-2)**

امام می‌فرماید که فاجعه‌های مرگ، نه فاجعه مرگ، چراکه عظمت زیادی را دارد، به او روی می‌آورد که در اوج خوشی و سرمستی است. جمع آوردن فاجعه وجه دیگری نیز دارد که مرگ غالباً با مریضی و به نحو تدریجی حاصل می‌شود و او از این هجوم ناگهانی متحیر می‌شود و در این موج‌های بلاء خواب از چشم او زائل می‌شود.

### سکرات موت

او در دنیای دیگری که برای او پیش‌آمده است، غرق می‌شود. این فاجعه تا آنجا جلو می‌رود تا جایی که دوستان و خانواده دور او را گرفته‌اند درحالی‌که کسی نمی‌تواند کاری کند و او از عظمت فاجعه در سکرت به سر می‌برد و از او آه دردناکی صادر می‌شود و در حال قبض روح شدن است و در رنج فوق‌العاده‌ای قرار دارد.

انسان باید دائم در حال سلامت این حال را متذکر باشد که در این صورت در آن لحظات چنین حالاتی را پیدا نمی‌کند.

1. العصر / 2 [↑](#footnote-ref-1)
2. بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج 74 / 428 / باب 15 مواعظ أمیر المؤمنین ع و خطبه أیضا و حکمه ..... ص: 376 [↑](#footnote-ref-2)